



پست و تلگراف
پیک هجاشی

نشریه وزارت پست و تلگراف و تلفن





The Achaemenian Courier

۶۵۱۰۳



کتابخانه مخصوص ابرار

ش . . .
پیک هجاشی



شاهنشاهی هخامنشی در بیست و پنج سده پیش از
این سر زمینهای پهناور و متمدنی را در قاره آسیا و آفریقا
زیر فرمان داشت .

اداره این قلمرو وسیع و نیازمندیهای لشکر کشی
و نگهداری مرزهای طولانی و تأمین رفاه مردمی که از
ملتها و مذاهب مختلف تشکیل شده بودند و سنن و عادات
و آداب گوناگون داشتند، ایجاب میکرد که تدابیر خاصی
برای تنظیم امور اتخاذ گردد .

یکی از مهمترین اقداماتی که باین منظور در
آن زمان صورت گرفت ایجاد شاهراههای چند هزار
کیلومتری و برقراری سازمان پیام رسانی در این راهها

و در این سر زمین پهناور میباشد.

از یساده‌داشت‌های گزنفون و هرودوت مورخین مشهور یونانی که بروزگار ما رسیده است چنین برمی‌آید که شهریاران هخامنشی شالوده‌ای برای نامه‌رسانی در قلمرو خود بنا نهادند که قرن‌ها سر مشق همه ملل جهان بوده است .

نظم و انضباطی که برای اداره کارهای پستی برقرار شده بود باندازه‌ای دقیق و حساب شده بود که هیچ حادثه زمینی یا آسمانی نمیتوانست در آن رخنه کند و یا کار آنرا به تاخیر اندازد و بهمین نکته است که هرودوت اشاره کرده است :

نه برف، نه باران، نه سرما، نه گرما، نه تاریکی شب، پیکها را از زود بمقصد رسیدن باز نمی‌دارد .

هرودت همچنین نوشته‌است: طولانی‌ترین جاده‌های ایران جاده‌ای بود موسوم به راه شاهی که از شهر افس در آسیای صغیر آغاز گشته و به شهر شوش که تختگاه شاهنشاهی ایران است منتهی میشد نقاط مهم بین راه در این شاعر راه بزرگ عبارت بوده‌اند از :

افس - سارد - فریکیه - کاپادوکیه - کیلیکیه - ارمنستان - فرات - دیاله - کرخه - شوش .

هرودوت همچنین از شاهراه‌های دیگر بین‌استانهای
ایران یاد میکند که در این مختصر مجال یاد آوری آن
نیست .

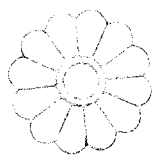
دایرة المعارف قرن بیستم در زیر لغت « پست »
نوشته است :

بنا به گفته هردوت کوروش کبیر هنگامی که عازم
نبرد با سیتها (سکاها) بود (حدود پانصد سال پیش از
میلاد مسیح یا ۱۱۲۲ سال قبل از هجرت) دستور فرمود
بین « پرسپولیس » و دریای اژه یکصد و یازده ایستگاه
پیام رسانی دایر کردند تا را بطه دائمی او با پایتخت
حفظ شود .

در این ایستگاهها سرباز و اسب تازه نفس همیشه
آماده خدمت بود .

مورخین همچنین نوشته‌اند :

کوروش کبیر دستور داده بود در راههای بزرگ
مخصوصاً از میدانهای جنگ تا مقر حکومتش ایستگاههایی
با فاصله‌های مناسب ساخته شود و در هر يك از آنها به
مناسبت موقع و محل از يك تا چند اسب با ساز و برگ
نگهداری شود و نامه بران شاهی و پیکهای دولتی میبایست
به مجرد گرفتن نامه بر اسب بسته و با سرعت هر چه
تمامتر تا ایستگاه بعدی بتازند. در آنجا نامه را به پیک



دیگر سپرده خود به استراحت پردازند تا پیک بعدی برسد و باز آنکه استراحت کرده است براه ادامه دهد بهمین ترتیب، نامه پست به پست فرستاده میشد و سرما و گرما و طوفان و حیوانات درنده و دشمنان خونخوار نمیبایست در اراده آنان خللی وارد سازد یا فرستادن نامه‌ای را به تأخیر اندازد.

گزنه‌فون به این نکته مطلبی اضافه میکند و آن اینست که در آن زمان در روی زمین سریع‌تر از پیکهای نامه بر کسی نمیتوانست حرکت کند.

پیکهائی که فرمانهای مخصوص شاهنشاه را به اطراف میبردند تنها به عوض کردن اسب در ایستگاهها میپرداختند و از پیک دیگری کمک نمیگرفتند.

وزارت پست و تلگراف و تلفن بمنظور بیان این حقیقت تاریخی و تجسم سازمان پیام‌رسانی دوران هخامنشی با همکاری و همگامی و اشتراك مساعی نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی و فدراسیون چوگان و سواری کشور برای بزرگداشت و با شکوه نمودن هر چه بیشتر جشن فرخنده دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران برنامه‌ای در این زمینه تنظیم و بمورد اجرا میگذازد که طی آن پیکهای سوار مجلس پلباسهای دوران هخامنشی با همان تجهیزات و قیافه پیام‌تهنیت ملت ایران را که بوسیله رؤسای

مجلسین سنا و شورای ملی تهیه گشته همانگونه که در دوران هخامنشی عمل میشده با حرکت سریع روز و شب و بدون توقف از تهران به تخت جمشید میرسانند. در این برنامه یکصد و سی سوارکار زبده شرکت دارند که دو بدو در طول مسیر تهران تخت جمشید از يك ایستگاه بتاخت حرکت کرده و پیام را در ایستگاه بعدی به پیکهائی که با اسبهای تازه نفس آماده ایستاده اند تحویل مینمایند جمعاً تعداد ۶۳ ایستگاه از تهران تا تخت جمشید مستقر شده و پیکی که از آخرین ایستگاه حرکت میکند در ساعت پانزده و سی دقیقه روز بیست و سوم مهر ماه یکهزار و سیصد و پنجاه پیام ملت را طی تشریفات مرسوم دوران هخامنشی به خاکپای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریاهر تقدیم میدارد .

« نه برف، نه باران، نه سرما، نه گرما، نه تاریکی
شب، پیکها را از زود بمقصد رسیدن باز نمی دارد. »
«هرودوت»

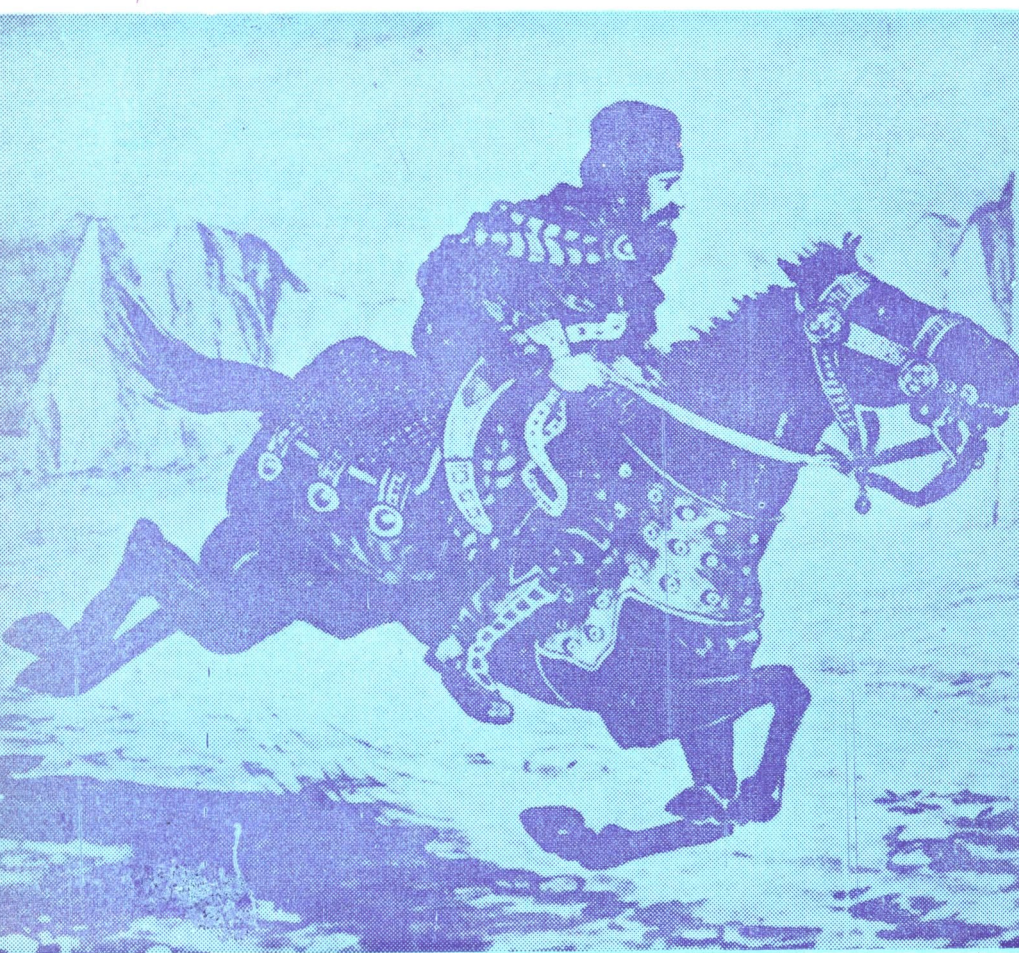


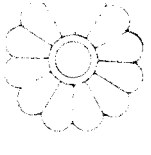
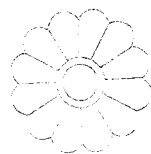
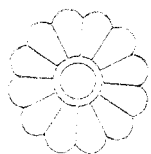
“ Les intemperies, la neige, la
pluie, les gels, et l'obscurité ne pouvaient
nullement empêcher les postillons rapides
de Darius de continuer leur voyage.”
«Hérodote»



“Neither snow nor rain nor heat
nor gloom of night stays these couriers
from the swift completion of their ap-
pointed rounds.”

«Herodote»





arranged a program to honour the Celebration of the 2500th Anniversary of the Founding of the Persian Empire by Cyrus the Great.

In this program the cavalier couriers who are dressed and equipped like the ones in the Achaemenian era will carry the Nations congratulatory message, from Tehran to Persepolis.

The message will be delivered in the same way as in the Achaemenian era by one hundred and thirty swift and skilful couriers who will travel day and night without any stoppage.

There are 63 stations from Tehran to Persepolis and the couriers will travel in pairs.

The Nations Message will be presented to H.I.M. Shahinshah Arayamehr, on 15 october 1971.

combat fields, to the seat of his government which was equipped for the post.

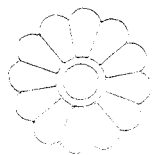
The courier was responsible for carrying the message to the next post as fast as possible and handing it to another courier resting there until the following courier arrived.

In this way messages were sent post by post and neither cold nor heat nor storm nor wild animals nor cruel enemies could cause the delay or the stoppage of the delivery of the messages.

Xenephone added to this and wrote that nobody on earth could travel faster than these couriers.

Couriers who were carrying king's messages around, changed horses only and did not get any other's help.

In order to state this historical fact and to show the message delivery system in the Achaemenian era, the Ministry of PTT, with the cooperation of the Imperial Iranian Army and Polo and Horsemanship Federation of the country, has



Road which started from Ephese town in Asia Minor and ended in Susa, the capital of the Iranian Kingdom.

The important localities in between this highway were as follows : Ephèse, Sardes, Frigie, Cappadoce, Cilicie, Arménie, Euphrate, Dyala, Karkha, and Susa.

Herodote mentioned also other highways between the provinces of Iran which is out of place in this brief.

In recent encyclopedias, under the word "post" this explanation can be seen: Herodote said that when Cyrus the Great had a combat with the Scythia (about 500 B.C.), he ordered the establishment of 111 posts for message sending between Persepolis and the Eagean Sea in order to keep a permanent communication with the capital.

Soldiers and fresh horses were always ready on duty at these posts. Historians have also written that Cyrus the Great had ordered the construction of such posts on the highways, especially from

construction of the long highways and the establishment of the couriers to deliver messages on these highways throughout the extensive land.

From the notes of Xenephone and Herodote, the famous Greek Historians, it is clear that the establishment of the couriers was formed in the time of the Achaemenian Kingdom and it was an example for the other nations of the world for many years.

The arrangement for handling postal affairs was so accurate and in such good order that none of the terrestrial or celestial accidents could cause any delay or stoppage to it.

This is what Herodote said about these couriers :

“Neither snow nor rain nor heat nor gloom of night stays these couriers from the swift completion of their appointed rounds.”

Herodote has also written that the longest road of Iran was called Kingdom



Twenty five centuries ago the Achaemenian Kingdom used to rule over a vast and civilized area in Asia and Africa.

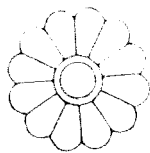
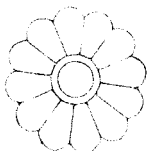
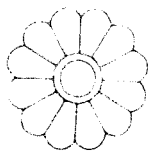
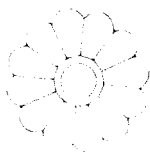
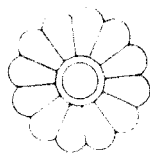
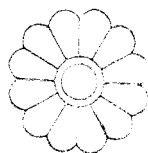
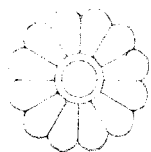
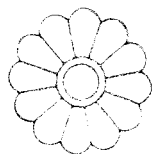
To manage this extensive realm, the necessity of mobilization, protecting the long border and the welfare of the people who were formed of different nations and had different religions, who had various cultures and traditions, demanded a special policy for the arrangement of affairs.

One of the most important actions which was taken at that time was the

The Achaemenian Courier

Persépolis le message de félicitation du peuple iranien, rédigé par les Présidents des Deux Chambres, comme cela se faisait sous les Achéménides, avec la même célérité et sans arrêt: cent trente cavaliers d'élite participeront à la réalisation de ce programme. Deux par deux, ils parcourront à toute vitesse, d'un relais à l'autre, la distance entre Téhéran et Persépolis; à chaque relais, des courriers, frais et dispos, montés sur des coursiers bien reposés, emporteront le message jusqu'au relais suivant.

Au total, 63 stations sont aménagées entre Téhéran et Persépolis (Takhté-Djamshid), et le courrier, partant du dernier relais, déposera le message de la nation aux pieds de Sa Majesté le Chahinshah ARYAMEHR, au cours d'un cérémonial qui aura lieu le 15 octobre 1971



riers ou retarder l'arrivée des lettres à destination.

C'est Xénophone qui ajout :

“A cette époque, rien sur la terre ne pouvait égaler en vitesse ces porteurs de lettres.”

Les courriers, qui portaient aux différents points du pays les firmans spéciaux du Chahinchah (du Roi des Rois), ne faisaient que changer de cheval dans chaque relais et continuaient jusqu'à destination.

Le Ministère iranien des P.T.T. a voulu illustrer ce fait historique et donner une idée de l'organisation de transmission de messages sous les Achéménides. Avec le concours des Forces terrestres impériales et de la Fédération de Polo et d'Equitation, désireuses de rendre plus solennelles encore la célébration du Vingt-cinquième Centenaire de la Fondation de l'Empire iranien, il a prévu que des courriers habillés et équipés comme à l'époque des Achéménides porteront de Téhéran à

“Il y avait toujours dans ces stations des soldats et des chevaux frais prêts à partir.”

De même, Cyrus le Grand avait fait aménager, sur les grandes routes et notamment entre les champs de bataille et le siège de son gouvernement, des relais à distance raisonnable. Dans chaque relais, suivant les besoins locaux, on entretenait un ou plusieurs chevaux bien équipés, et les courriers impériaux ou les courriers de l'Etat, dès qu'ils recevaient une lettre ou un message, devaient enfourcher ces coursiers, remettre au courrier du relais suivant, à toute vitesse, la lettre ou le message, et s'y reposer en attendant le courrier suivant. Au relais, un courrier bien reposé se voyait confier les lettres ou les messages qu'il transmettait à un autre relais, et on continuait ainsi d'un poste à l'autre. Le froid, la chaleur, la tempête, les bêtes féroces et les ennemis altérés de sang, rien ne pouvait influencer sur la volonté des cour-

Hérodote écrit également :

“La route la plus longue de l’Iran était la voie royale qui partait de la ville d’Ephèse, en Asie Mineure, pour aller à Suse, capitale de l’Empire iranien. Les points importants sur cette grande route étaient :

Ephèse, Sardes, Phrygie, Cappadoce, Cilicie, Arménie, Euphrate, Diala, Karkhéh, Suse.”

Hérodote parle aussi d’autres routes reliant les “satrapies” de l’Iran, mais nous ne pouvons pas les mentionner dans ce court exposé.

L’Encyclopédie du XXème siècle, sous le mot “poste”, écrit :

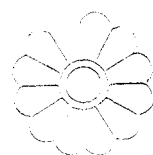
“D’après Hérodote, Cyrus le Grand, lors de son expédition contre les Scythes (vers 500 avant J.-C. ou 1122 avant l’Hégire), donna l’ordre d’aménager et de mettre en service cent onze stations de transmission de messages, entre Persépolis et la mer Egée, pour assurer une liaison permanente avec sa capitale.”

sations de cette époque furent l'aménagement de grandes routes longues de plusieurs milliers de kilomètres, et l'établissement d'un système de transmission de messages sur ces routes à travers ces immenses contrées.

Ainsi qu'il ressort des récits des célèbres historiens Xénophon et Hérodote, récits parvenus jusqu'à nous, les souverains Achéménides avaient fondé dans leur Empire une organisation de poste qui a servi de modèle durant des siècles aux autres nations du monde.

L'ordre et la régularité établis pour ces services de courriers étaient si minutieusement établis qu'aucun incident et nulle intempérie ne pouvaient les perturber ou en retarder l'acheminement, et c'est justement ce fait qu'évoque Hérodote en écrivant :

“ Les intemperies, la neige, la pluie, les gels, et l'obscurité ne pouvaient nullement empêcher les postillons rapides de Darius de continuer leur voyage.”



Il y a vingt-cinq siècles, l'Empire des Achéménides avait soumis d'immenses territoires civilisés en Asie et en Afrique.

L'administration d'un empire si étendu, les nécessités stratégiques, la garde des frontières longues de plusieurs milliers de kilomètres et le souci d'assurer le bien-être d'une population composée de différents peuples ayant des cultes et des us et coutumes les plus variés, exigeaient des mesures nombreuses et adaptées à chaque cas.

Or, deux des plus importantes réali-



LE COURRIER ACHEMENIDE



کتابخانه شخصی اوستا